

مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی

محمد رحیم عیوضی*

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۳/۱۰

غلامرضا کریمی**

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۵/۱۱

چکیده

ورود زنان به حوزه‌های فراتر از محدوده تعریف‌شده خانواده و مسئولیت‌پذیری در جامعه و انجام فعالیت‌هایی که به صورت فردی قابل تحقق نیست، به منزله ورود به عرصه حضور و مشارکت اجتماعی است.

روند تحول در حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زنان در طول تاریخ کند و همواره با حساسیت همراه بوده است. در پی ظهور اسلام، رویه‌ها و قواعد متحجرانه نسبت به زنان و دختران به شدت منع گردید و قرآن و سنت رویه‌های حمایت‌گونه از حقوق و مسئولیت‌های زنان را ارتقاء بخشیدند.

رکود روندهای حضور اجتماعی زنان در سده‌های پس از ظهور اسلام به‌ویژه در سده‌های میانی موجهی از جنبش‌های و نهضت‌های مساوات‌طلبانه زنان و مردان را در قالب مفاهیم فمینیستی در پی داشت که با افراط و تفریط‌هایی مواجه گشت و بنیاد خانواده را در جوامع غربی به شدت متزلزل کرد. این رویه‌های غلط، رجوع مجدد به قرآن کریم و سنت نبوی را در خصوص نحوه مشارکت اجتماعی زنان به‌عنوان یک ضرورت نه تنها پیش روی مسلمانان بلکه کلیه افراد جامعه بشری قرار داد. در این مقاله ضمن بررسی آداب حضور اجتماعی از منظر قرآن و سنت و آسیب‌شناسی نگاه‌های افراطی به حضور اجتماعی زنان، الگوی حضور اجتماعی آنها با نگاه دینی در پرتو تجربه عملی نظام جمهوری اسلامی ایران که برخاسته از دین مبین اسلام است، بررسی و تجزیه و تحلیل می‌گردد.

واژگان کلیدی

مشارکت اجتماعی، زنان، خانواده، قرآن کریم، سنت

* دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و مدیر گروه آینده‌پژوهی Aivazi2000@yahoo.com

** استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران و دبیر کل کمیسیون ملی آیسسکو ghkarimi@tmu.ac.ir

مقدمه

نحوه مشارکت و حضور اجتماعی زنان در طول تاریخ همواره حساسیت مخصوص به خود را داشته است به طوری که با ظهور هر پیامبری، تغییرات خاصی به نفع حقوق زنان صورت گرفته است؛ برای مثال، در پرتو آیین مسیحیت، حمایت از بیوه‌زنان افزایش یافت و با حضور اسلام، نوآوری و تحول خاصی در این حوزه به وجود آورد، به طوری که از همان ابتدا زنده‌به‌گور کردن و سوءرفتار با دختران ممنوع کرد و قوانینی وضع نمود تا بر اساس آن زنان متأهل از حمایت و حقوق بیشتری برخوردار شوند.

در پرتو جنبش‌ها و نهضت‌های فمینیستی ظهور یافته از ابتدای سده بیستم و همچنین افراط و تفریط‌های گسترده در خصوص مشارکت زنان، مسئله مشارکت اجتماعی زنان از نظر و دیدگاه آخرین دین آسمانی یعنی اسلام از اهمیت خاصی برخوردار شده است. با مراجعه به آیات قرآن و سنت نبوی و همچنین، رویه‌های شکل گرفته در طول ۱۴ سده گذشته می‌توان الگوی مشارکت اجتماعی زنان را از منظر اسلام ترسیم نمود که به دور از سوءاستفاده‌ها و شالوده‌شکنی‌های موجود در جامعه بشری باشد. چارچوب نظری مقاله مبتنی بر الگوی مشارکت اجتماعی زنان در نظر و عمل حضرت امام خمینی (ره) است که رویکردی مبتنی بر احکام وحی و سنت پیامبر (ص) و دستاوردهای فقهی است.

۱. چارچوب مفهومی

مفهوم‌شناسی، فعالیتی مستقل به شمار می‌آید؛ اما در خصوص مفهوم «مشارکت»، شناخت این مفهوم نیازمند توجه به مباحث پیرامونی‌ای چون انواع مشارکت و یا ویژگی‌های آن است که به تناسب هر یک معنایی متفاوت از مشارکت پدید می‌آید. برای همین در نوشتار حاضر، مفهوم‌شناسی مشارکت از سه منظر مختلف (اما مرتبط یا یکدیگر) صورت می‌گیرد.

۱-۱. معنای مشارکت

توسعه هر کشور بیش از هرچیز به مشارکت فعال و مؤثر کلیه افراد آن بستگی دارد. (قوام، ۱۳۷۴، ص ۲۳). پدیده مشارکت، به معنای همکاری، نخستین رفتار اجتماعی

است که از انسان سر زده است (Tri, 1982, p.9). در اصل مشارکت، کنشی هدفدار و اختیاری است که از روی میل و رغبت و نیاز و در جهت بهبود زندگی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، مشارکت را می‌توان فرایند سهیم شدن در تصمیم‌های اثرگذار بر زندگی شخصی و جامعه محل زندگی تعریف کرد (هارت، ۱۳۸۰، ص ۴۵). هرچند این مفهوم را کم‌وبیش دانشمندان از سده‌های گذشته طرح و به کار برده‌اند. اما تا امروز در کاربردهای مختلف، ابعاد تازه‌تری را به خود اختصاص داده است.

الن بیرو در تعریف مفهوم مشارکت چنین می‌نویسد: «مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین، با آن همکاری داشتن است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، باید بین مشارکت به‌عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به‌عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام‌شده نظر دارد» (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۲۵۷).

در بیان دیگر، مشارکت را می‌توان به‌صورت تعهد مشترک در پرداختن به مسائل توسعه بر اساس تقسیم توافقی‌شده وظایف و مسئولیت‌ها تعریف کرد، براین‌مبنای مشارکت‌ها حول هدف‌های مشترک شکل می‌گیرد و شرکاء پیگیری یک یا چند فعالیت را در راستای یک هدف، به‌صورت مشترک یا به‌صورت ردیفی، بر عهده می‌گیرند. مشارکت‌ها با عنایت به هدف مورد دستیابی، موقت یا برای مدتی طولانی باشند. در این تعریف تأکید بیشتر بر بعد عمل و تعهد‌آمیز مشارکت است.

۲-۱. گونه‌های مشارکت

دیدگاه‌های مختلفی درباره چگونگی تقسیم‌بندی مشارکت وجود دارد، اما دسته‌بندی زیر را می‌توان به‌دلیل جامعیت محتوایی، مبنا قرار داد:

الف. مشارکت اجتماعی نخستین: این مشارکت در شکل گفتگو با مردم است. این نوع مشارکت سده‌ها توسط رهبران مذاهب و طرفداران انواع ایدئولوژی‌ها برای جلب مردم به کار رفته و دربرگیرنده تمامی مشارکت‌های افراد برای اعمال و مناسک مورد نظر

بوده است. چنین مشارکت‌هایی را مشارکت‌های آیینی نیز می‌توان نام نهاد (شادی‌طلب، ۱۳۸۲، ص ۸۲).

ب. مشارکت اجتماعی رفتارگرایانه یا مشروط: این مشارکت به‌نوعی از مشارکت‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که در پی بسیج اجتماعی از راه به‌کارگیری روش‌های روان‌شناسی اجتماعی و کاربرد رسانه‌ها و سازوکارهای فرهنگی برای جلب همگان به مشارکت است.

ج. مشارکت اجتماعی انسجام‌گرا: این مشارکت در شکل اتحادیه‌ها و انجمن‌ها تحقق می‌یابد و بر پایه ادغام اجتماعی و فرهنگی و جامعه‌پذیری فرهنگ مشارکت‌جویانه پیش می‌رود.

د. مشارکت اجتماعی توسعه‌گرا: این نوع مشارکت را فرایندی اجتماعی، جهانی، تام و تمام، چندبعدی و چندفرهنگی تلقی می‌کنند و افراد را در آن برای توسعه ملی به مشارکت می‌خوانند (پیران، ۱۳۷۶، صص ۲۷-۲۸).

اساساً مشارکت و حضور اجتماعی به مفهوم عمومی آن به معنای سهم شدن در منافع حاصل از یک کار جمعی یا عضویت در گروه خاص و فعالیت در یک عمل گروهی و تاریخی، به‌اندازه زندگی اجتماعی بشر است. از این جهت می‌توان نخستین گروهی را که از انسان‌های اولیه تشکیل شده بود، یک جامعه مشارکتی نامید؛ زیرا زندگی انسانی بدون سهم شدن آن‌ها در فعالیت‌های دسته‌جمعی و گروهی خاص امکان‌پذیر نبود. در واقع، بشر موجودی اجتماعی است و بدون شرکت کردن در فعالیت‌های جمعی زندگی او بی‌معناست. انسان از آغازین روز زندگی خود بر کره خاکی نوعی تقسیم کار را به وجود آورده است که این تقسیم کار در کنار اینکه او را برای به‌فعلیت درآوردن استعدادهایش توانا ساخته، امر مشارکت افراد را در امور زندگی انسانی نیز میسر ساخته است. این شکل از مشارکت را می‌توان نوعی مشارکت از روی ضرورت دانست؛ زیرا انسان‌ها در صورتی که به آن دست نزنند، حیات جمعی آنان تهدید می‌شود.

مشارکت اجتماعی به معنای خاص آن به‌نوعی با مفهوم مشارکت سیاسی و به‌ویژه حق رأی دادن به‌شدت عجین شده است. بر اساس این برداشت خاص مشارکت

اجتماعی را می‌توان در دنیای غرب محصول انقلاب‌های مردم‌سالارانه دانست. در حوزه فعالیت سیاسی پس از انقلاب فرانسه مباحث مربوط به برابری رأی مطرح شده و پس از آن در سایر نقاط دنیا منتشر گردیده است. بنا به عقیده گیدنز، «دولت دارای حاکمیت در آغاز دولتی نبود که شهروندان از حقوق مشارکت سیاسی برخوردار باشند. این حقوق تا اندازه زیادی از طریق مبارزاتی که قدرت شاهان را محدود کرد یا عملاً آنان را برانداختند - گاهی از راه انقلاب، مانند موارد فرانسه یا ایالات متحده - کسب گردیدند» (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۱۵).

در حوزه فعالیت اقتصادی مفهوم مدرن مشارکت را می‌توان پس از ایجاد شرکت‌های تعاونی مورد توجه قرار داد که اولین نوع آن را اصول راجدیل مشخص می‌سازد. در حوزه فعالیت مدنی حق مشارکت انسان‌ها همراه با مسئله شهروندی مطرح می‌گردد و در حوزه فعالیت فرهنگی در دهه‌های اخیر است که مسئله برابری فرهنگ‌ها طرح گردیده است. اگرچه تا پذیرش حق مشارکت همگان در این زمینه احتمالاً بشر در حال حاضر با نوعی تردید مواجه است، جنبش‌های قومی زمینه را برای پذیرش برابری در این زمینه نیز فراهم کرده‌اند.

۳-۱. ویژگی‌های مشارکت

اما نکته مهم در خصوص مشارکت، ویژگی‌ها و شرایطی است که در آن مشارکت معنا و مفهوم می‌یابد. به‌طور کلی ویژگی‌های مشارکت عبارت‌اند از:

اول. مشارکت مشروط به برابری انسان‌ها و منوط به آزادی آنهاست. در یک نظام مشارکتی فرض بر این است که مردم باید فرصت مناسب برای اثرگذاری بر سیاست‌ها و به دست آوردن مشاغل عمومی را داشته باشند و دولت نیز باید امکان رقابت را بر اساس شایستگی افراد مهیا کند.

دوم. مشارکت حق مردم است و بیش از هر چیز نیازمند اقدام آگاهانه آنهاست. مشارکت امری تحمیلی یا دعوتی نیست بلکه نوعی توان‌بخشی به گروه‌های ضعیف توأم با مشکلات خود نقش داشته باشند، چنین مشکلاتی نه فرمایشی است و نه وضع

کردنی بلکه باید آن را به دست آورد؛ یعنی امتیازی نیست که حکومت به اتباع خویش می‌دهد. بلکه حقی است که باید از آن استفاده کند.

سوم. مشارکت با محصول ثابت و نهایی توسعه یک فرایند است.

چهارم. مشارکت فعالیتی کمی و کیفی و دارای درجاتی است؛ لذا گستره و ژرفای آن متغیر و درعین حال مهم است. وسعت مشارکت بدون عمق کافی آن را سطحی و آسیب‌پذیر می‌گرداند و عمق بدون وسعت مشارکت نمی‌شود.

پنجم. مشارکت دارای پیامدهای دوسویه است و چنانچه بنا باشد مؤثر واقع گردد. مستلزم تغییراتی بنیانی در اندیشه و عمل است که باید از درون جامعه بجوشد و در قالب‌های پایدار و مقبول جامعه و دولت تبلور یابد. ایده‌های مربوط به مشارکت یک نقطه مشترک دارد و آن اهمیت دادن به نقش و نظر مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دسترسی آنان به منابع قدرت است (انصاری، ۱۳۸۵، ص ۷).

۲. مشارکت اجتماعی زنان

مشارکت اجتماعی زنان در جوامع مختلف و بر اساس نگرش‌ها و دیدگاه‌های هریک از جوامع متفاوت است، اما به‌طور کلی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل و ویژگی‌های متقابل و همچنین، شرایط ویژه هر جامعه است. در این قسمت پدیده مشارکت اجتماعی در دو سطح تحلیل می‌شود:

۲-۱. عوامل و ویژگی‌های مؤثر

الف. ویژگی‌های فرهنگی - ارزشی زنان دربرگیرنده متغیرهایی است که در رفتار مشارکت اجتماعی تأثیر می‌گذارند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: نظم‌گرایی، جمع‌گرایی و میل به کار گروهی، نوپذیری، تقدیرگرایی و عدالت‌جویی (باور به ضرورت تلاش برای رفع تبعیض بین زنان و مردان در جامعه، باور به وجود نیروهای خارج از اراده فردی در تعیین امور و برنامه‌های زندگی).

ب. ویژگی‌های خانوادگی زن که در تمایلات وی به مشارکت اجتماعی و رفتار مشارکت اجتماعی اثرگذارند؛ این ویژگی‌ها شامل پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده،

میزان پایبندی خانواده به سنت‌ها، نقش زن در تصمیم‌گیری‌ها، بعد خانواده (تعداد فرزندان) و میزان انسجام خانوادگی است.

ج. ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی زنان، نظیر سن، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، وضعیت تأهل، مدت اقامت در شهر، سابقه مشارکت و میزان استفاده آن‌ها از رسانه‌ها. این گروه از عوامل متغیرهایی هستند که به‌طور گسترده‌ای تعیین‌کننده فرصت‌های رسیدن زن به موفقیت و رضامندی در زندگی‌اند. همچنین، بر استفاده بهینه زنان از فرصت‌ها و وسائل نهادینه‌شده برای نیل به هدف‌های فرهنگی و انطباق با قواعد رفتار اجتماعی اثرگذارند.

د. ویژگی‌های گرایش-انگیزی زنان که شامل رقابت‌جویی، ازخودبیگانگی، خودآریبخشی و نیاز به پیشرفت است.

هـ. تمایل زنان به مشارکت اجتماعی که بر تمایلات اولیه و آمادگی روانی آن‌ها برای عمل واقعی مشارکت-شرکت در فرایندهای اجتماعی مانند علاقه مشارکت در امور سیاسی نظیر شرکت در راهپیمایی‌ها و انتخابات و علاقه مشارکت محیطی، نظیر پاکسازی محیط، فعالیت‌های خیریه و حفظ محیط زیست- دلالت دارد (شادی‌طلب، ۱۳۸۲، ص ۸۹).

۲-۲. زمینه‌ها و شرایط مؤثر

گونه‌های جدید و مدرن مشارکت اجتماعی برای زنان را می‌توان به شرح زیر توضیح داد که در آن‌ها شرایطی که منجر می‌شود زنان مشارکت نمایند و یا اینکه از مشارکت محروم گردند، تشریح شده است:

الف. مشارکت فرهنگی: شرکت فعالانه و مؤثر همه مردم به‌ویژه زنان در امور فرهنگی از سابقه چشمگیری برخوردار نیست و تلاش‌های مشارکت‌جویانه و برابری‌جویانه فرهنگی چند دهه‌ای است که به‌عنوان یک موضوع جدی وارد روابط اجتماعی شده است. البته نوع مشارکت فرهنگی بسته به آداب و رسوم، سنت‌ها، دین و ایدئولوژی کشورهای مختلف، متفاوت است. اما در ایران با توجه به مذهبی بودن

کشور، مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی به‌ویژه مشارکت در هیئات مذهبی، مناسبت‌های دینی و امور خیریه از رونق خوبی برخوردار است.

ب. مشارکت اقتصادی: شرکت فعالانه زنان در فعالیت‌های اقتصادی، از تقاضای روبه‌رشد این قشر عظیم جوامع بشری است، اگرچه این تقاضاها همواره با چالش‌های جدی برنامه‌ریزی و خود زنان نیز مواجه بوده است. به‌طور کلی اشتغال زنان عمدتاً در مشاغلی است که تناسب بیشتری با شرکت و جایگاه زنان دارد؛ به‌عبارت دیگر، انتخاب مشاغل در هر جامعه‌ای برخاسته از فرهنگ حاکم بر آن جامعه است.

در جمهوری اسلامی ایران، روند فزاینده تقاضای زنان برای تحصیلات متوسطه و عالی، زمینه را برای ورود آن‌ها در مشاغل متعدد اقتصادی فراهم کرده و همین موضوع وضعیت مشارکت اجتماعی زنان را در معرض تحول و دگرگونی جدی قرار داده است؛ زیرا ضمن اینکه مشارکت اقتصادی خود نمادی از مشارکت اجتماعی است. اساساً داشتن شغل به‌عنوان یک متغیر مهم و اثرگذار بر روی میزان و نحوه مشارکت اجتماعی زنان است.

ج. مشارکت سیاسی: یکی از ابعاد مشارکت اجتماعی زنان، مشارکت سیاسی است که در تعریف عبارت است از هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر برای تأثیر نهادن بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی، انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است.

البته لازمه مشارکت سیاسی فعال، طی کردن فرایند جامعه‌پذیری مناسب و مطلوب است؛ زیرا هرگونه مشارکتی، نوعی تربیت خاص را می‌طلبد که فرد بتواند در آن زمینه از خود واکنش نشان دهد.

در تعریف، جامعه‌پذیری سیاسی، فرایند مستمر یادگیری است که به‌موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نقش‌های خویش در جامعه پی می‌برند. در این فرایند ارزش‌ها، ایستارها، نهادها، اعتقادات و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و امکان دارد در جریان این انتقال، تغییرات و یا تعدیل‌هایی نیز صورت پذیرد (قوام، ۱۳۷۱، ص ۷۴).

بنابراین، در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی که در اثر یادگیری ایجاد می‌شود، از عوامل مختلفی نظیر خانواده، گروه‌های مختلف همسالان، همکاران، گروه‌های مرجع مانند احزاب و بعضی نهادهای سیاسی و رسانه‌های گروهی و آموزش و پرورش می‌توان یاد کرد. بنابراین، نقش خانواده در این فرایند خیلی مهم است؛ زیرا دختران و پسران در خانواده‌ها به صورت غیررسمی با توجه به رفتار والدین خود، وظایف، حقوق و نقش‌های خود را فرامی‌گیرند. علاوه‌براین، در گرایش‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی افراد تأثیر گروه‌های مرجع و احزاب نیز تعیین‌کننده است.

۳. چارچوب تاریخی

برای آشنایی با جایگاه زنان در شرایط حاضر، باید جایگاه آن‌ها در روند تاریخی بررسی شود. اساساً در طول تاریخ به‌ویژه در گذشته‌های دور، نگاه به زن به‌عنوان یک موجود ضعیف و درجه دو بوده است، به‌طوری که زن در زمان اوج پیشرفت ملت یونان، از نظر اخلاقی و حقوق و رفتار اجتماعی در نهایت بدبختی و تیره‌روزی به سر می‌برد (قطب، بی‌تا، ص ۱۲). ارسطو در خصوص جایگاه زنان این‌گونه ادعا می‌کند: «زن و بنده بر اساس طبیعت خود محکوم به اسارت بوده سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند» (دورانت، ۱۳۷۴، ص ۸۰).

زن در یونان باستان نه‌تنها مخلوقی حقیر شمرده می‌شد بلکه دست‌کم به‌عنوان انسان با زن رفتار نمی‌شد. زن همانند شیء در اختیار مرد بود و مرد هرگونه رفتاری را با او انجام می‌داد و زن در این دوره از هیچ حقوقی برخوردار نبود، در نتیجه، از فعالیت اقتصادی و اشتغال نیز محروم بود (عبدالحمید محمد، ۱۴۱۱ق، ص ۱۹). تنها موردی که برای فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان در تاریخ یونان باستان ذکر شده، مربوط به حضور زنان برای فعالیت اقتصادی و اشتغال در بازار بوده است. این اشتغال همراه با مردان بوده و فقط در منطقه «کریت» مشاهده شده است (منیسی، ۱۹۷۷، ص ۲۴).

این وضعیت در دوره روم باستان نیز وجود داشته است. به‌طور کلی زن در روم باستان از همه حقوق محروم بود و دارای هیچ‌گونه جایگاه و اختیاری نبود. دختران و زنان مانند شیء مملوک معامله می‌شدند و از حقوق اقتصادی نیز هیچ بهره‌ای نداشتند.

نکته قابل توجه در خانواده‌های رومی این است که قرابت و خویشاوندی رسمی و حقوقی فقط در خصوص مرد معنا پیدا می‌کند و بین زن با مرد و زن با زن خویشاوندی وجود ندارد. مرد هر وقت صلاح می‌دانست، می‌توانست زن یا دختر را بفروشد، قرض و کرایه دهد یا بکشد؛ از این رو، وقتی زن از حداقل حقوق انسانی محروم باشد و به‌عنوان شیء با او رفتار شود، قطعاً از حقوق و امتیازات اقتصادی بهره‌مند نخواهد شد. در حقوق رم باستان، زن بهره‌ای از فعالیت اقتصادی و کار نداشت؛ چون اصلاً از اطلاق عنوان انسان بر آنان دریغ داشتند (منیسی، ۱۹۷۷، صص ۲۵-۲۶).

در مصر باستان هم اگرچه زنان کم‌وبیش ارجی داشتند و به آن‌ها اجازه می‌دادند که در مجامع حاضر شوند، دختران زیبا را برای پرآب شدن رود نیل قربانی می‌کردند و روزگاری آن‌ها را زنده‌به‌گور می‌کردند (علویقی، ۱۳۷۵، ص ۲۱).

اعراب زمان جاهلیت هم هیچ حرمتی برای زن قائل نبودند، به‌طوری‌که دختران را زنده‌به‌گور می‌کردند. علاوه‌براین، در این دوره زنان ارث نمی‌بردند و تعدد زوجات، آن هم بدون حدی معین جایز بود.

در جامعه ایران باستان هم زنان عملاً نقشی در جامعه نداشتند و عمدتاً کنیزانی در خدمت مرد بودند و در قوانین متداول، زن از قدیم شخصیت حقوقی نداشت و در تملک مرد قرار داشت (قائم‌مقامی، ۱۳۵۵، ص ۱۰۵).

البته در تاریخ ایران، همواره نهاد خانواده، مستحکم بوده، اقتدار و حاکمیت مرد در خانواده مسلم فرض شده است. اساساً در نظام مردسالاری اگرچه برتری مشخص مرد بر زن در تمام تصمیم‌گیری‌ها فرض شده، ولی مقام زن به‌عنوان عضوی از خانواده، محترم و مقدس شمرده شده است (شعبانی، ۱۳۷۵، ص ۹۳).

به‌طورکلی، اگرچه زنان در عصر هخامنشیان و اشکانیان دارای حداقل حقوق انسانی نبودند، وجود طبقات ممتاز در ایران موجب شد زنان از حیث اختیارات و مزایای اجتماعی به دو دسته تقسیم شوند: الف. زنان اشراف و بزرگان، ب. زنان طبقه پایین‌تر.

اما واقع مطلب این است که زنان اشراف در مقابل مردان طبقه خود، همان مقام و موقع را داشتند که زنان طبقه پست‌تر نسبت به مردان خود دارا بودند. هر دو دسته از

زنان، از حقوق اقتصادی و اشتغال بهره‌ای نداشتند و فقط زنان طبقه اشراف از زندگی بهتری نسبت به زنان طبقه پایین‌تر برخوردار بودند.

اما در عصر ساسانی که افراد جامعه به طبقات مختلفی تقسیم می‌شدند، در داخل هر یک از طبقات، زنان متناسب با فرهنگ و وضعیت اشتغال طبقه خود، مشاغلی را بر عهده داشتند؛ مثلاً پوران‌دخت و آذر می‌دخت که از زنان خاندان سلطنتی بودند، حکومت کردند. زنان سایر طبقات نیز بسته به طبقه خود به کار ریسندگی، کشت و زرع یا صنعت آن روز اشتغال داشتند. از ویژگی‌های این دوران، مالک شدن دستمزد و درآمد توسط زنان بود که می‌توانست خود آن را بردارد یا به شوهرش بدهد (مظفری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱).

تحول جدی در رویکرد موجود نسبت به نقش و جایگاه زنان، با ظهور اسلام به‌ویژه در قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) صورت گرفت که جایگاه و نقش جدی به زن در خانواده داده شد و وضعیت حقوقی وی به‌عنوان یک عضو خانواده و دارای شخصیت حقوقی در جامعه تثبیت شد و خیلی از ظلم‌ها و تزییقات قبلی که در حق او روا داشته می‌شد، تضعیف گردید.

به‌واقع، با ظهور اسلام کرامت انسانی زن احیا شد و زن در کنار مرد به‌عنوان نیمی از پیکره حیات بشری مطرح گردید. اسلام دخترکشی را ممنوع کرد و به جامعه آموخت که به دختران احترام بگذارند. زن‌های صدر اسلام در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و کارهای دیگر مشارکت داشتند (ابوفارس، ۱۳۸۶، صص ۱۹-۲۰). قرآن کریم کسب و تلاش اقتصادی زنان و مردان را تأیید کرده و مالکیت آنان را بر آن مترتب ساخته است. « (نساء: ۳۲)؛ برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره است و برای زنان (نیز) از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است.»

اشتغال زنان در عصر پیامبر (ص) به‌شکلی گسترده دیده می‌شد و در تمامی شغل‌های رایج آن زمان، زنان حضور داشتند. زنان در این دوره به مشاغلی از قبیل پزشکی، تجارت و صنایع دستی اشتغال داشتند (مه‌ریزی، ۱۳۷۸، ص ۵۸)؛ برای مثال زینت، دختر جحش، به صنایع دستی اشتغال داشت (ابن‌اثیر، ج ۵، ص ۶۲۰). زنی به نام

زینت پزشک قبیله ابن داوود بود و مریضان را مداوا می‌کرد. زنان بسیاری به امر شبانی و دامداری اشتغال داشتند؛ مانند سلامه و امرهانی و زنانی چون قیله، مادر بنی‌نمار، به تجارت اشتغال داشتند (ابن اثیر، ص ۴۷۷).

در رویه عملکردی، آنچه از موقعیت اجتماعی زنان بعد از ورود اسلام به ایران وجود داشته، این است که با توجه به تفاوت‌ها در وضع عمومی زنان در مناطق مرکزی شمالی و جنوبی ایران، اختلاف‌هایی برحسب موقعیت محل، عرف و عادات و سنن محلی بین زنان ایرانی وجود داشته است، ولی به‌طور کلی در دوره سلسله‌های مختلف پادشاهی، زنان از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند (راوندی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۶۳۷).

نگرش جدیدی نسبت به زن، پس از انقلاب مشروطیت و نفوذ تمدن غرب در ایران صورت گرفت که بسیاری از آداب و سنن قدیم اجتماعی را دگرگون کرد و در مقام و موقعیت اجتماعی زنان آن‌هم در طبقه مشخص و معینی که عمدتاً در حاکمیت بودند و یا با قدرت سیاسی تعامل مثبت داشتند، به وجود آمد. در دوره پهلوی رژیم سعی داشت با ایجاد تغییراتی روبنایی در وضعیت اجتماعی ایران از جمله دگرگونی در ظاهر، لباس و چهره زن ایرانی، تصویری از ایران مدرن‌شده به جهانیان ارائه دهد. کشف حجاب و ترغیب زنان ایرانی به آراستن چهره و ظاهر خود و مشارکت دادن چند زن از طبقه حاکم در برخی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی از جمله تلاش‌های آن رژیم برای مدرن جلوه دادن ایران بود، درحالی‌که بیشتر زنان جامعه، به‌ویژه زنان متدین و مؤمن، از تحصیل و فعالیت‌های اجتماعی محروم بودند و فقط شمار اندکی از زنان متعلق به طبقات خاصی امکان تحصیل و مشارکتی نمادین در امور اجتماعی و سیاسی را داشتند. رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۱ به زنان حق رأی داد و تعدادی از زنان به‌عنوان کارمندان معمولی در ادارات، وزارتخانه‌ها، دستگاه‌های دولتی، شرکت‌های تعاونی روستایی و غیره مشغول به کار شدند (راوندی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۹).

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) فرصت تازه‌ای را در اختیار زنان ایرانی قرار داد تا ضمن مشارکت در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی استعدادهای بالقوه خود را به ظهور رسانیده و مشارکتی گسترده در امور مهم و سرنوشت‌ساز کشور داشته باشند. در واقع، تحول اساسی در مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در فرایند

شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست و این روند با مشارکت فعال آنان در بسیج و امور مربوط به جنگ تحمیلی و همچنین، فعالیت‌های مدنی پس از جنگ نهادینه گردید، به طوری که امروز روند اشتغال و سواد مرتباً رو به افزایش است.

۴. چارچوب نظری

اگرچه نظریه‌ها و دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی متعددی در خصوص حضور اجتماعی زنان در مجامع علمی کشورهای غربی شکل گرفته و امروزه از نفوذ و اعتبار بالایی برخوردارند، در خصوص مشارکت اجتماعی زنان در اسلام چارچوب نظری مشخصی تدوین نشده و بیشتر مباحث حول دیدگاه‌ها عالمان و شخصیت‌های اثرگذار است. در این مقاله نگرش امام خمینی (ره) به مسئله زن و نحوه مشارکت او به عنوان چارچوب نظری بحث در نظر گرفته می‌شود. در واقع، الگوی مورد نظر حضرت امام (ره) با الهام از قرآن و وحی و سیره نبوی به‌ویژه تأکید بر الگوگیری از حضرت زهرا (س) و حضرت زینت (س) و همچنین، دستاوردهای فقهی است. نوع نگرش امام به‌گونه‌ای است که با الگو قرار دادن حضرت فاطمه (س) برای زنان، ضمن رد نگرش جوامع سنتی به زن و نوع رابطه زن و مرد بر مبنای توزیع قدرت، زن را از مقام مساوات با مرد عبور داده و به پیشوایی و رهبری وی معتقد است. ایشان در خصوص نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی می‌فرماید: «شما زنان دلیر در این پیروزی پیش‌قدم بودید و هستید» (امام خمینی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶۷)؛ «شما بانوان اثبات کردید که در صف جلو هستید. شما اثبات کردید که مقدم بر مردها هستید، مردها از شما الهام می‌گرفتند...» و «شما خواهران در این نهضت سهم بسزایی داشتید و در همه‌جا کمک کردید و پیشوا بودید» (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۱). امام (ره) ضمن پذیرش تفاوت‌های جنسی، معتقد است که این تفاوت‌ها مانع حضور اجتماعی زن نمی‌شود. ایشان ضمن اشاره به احیای کرامت و شخصیت زن در صدر اسلام و حضور اجتماعی وی تأکید می‌کند که آن سنت و رویه می‌تواند الگوی زن مسلمان این عصر نیز باشد.

۵. حضور اجتماعی زنان در مکتب اسلام

۵-۱. رویکرد

بحث حضور و نقش‌آفرینی زن در جامعه و مناظرات فراوان صورت گرفته پیرامون آن، از یک منظره گسترده‌تری که بین سنت و نوگرایی وجود دارد، ناشی می‌شود. تفاوت چشمگیر موقعیت زنان در جهان غرب و در جهان اسلام، ما را در وضعیت دشواری قرار داده است؛ زیرا اعتقاد به آموزه‌های دینی و اسلامی در جامعه ایرانی عمیق و پایدار است و همه به نوعی درصدد تطبیق دادن خود با آن‌هاست، ولی نگاه به غرب و بهره‌گیری از تجربه‌های آن‌ها نیز در جامعه ایرانی تا حدی ریشه‌دار شده است. بنابراین، ساده‌ترین دسته‌بندی از دیدگاه‌ها سه دیدگاه سنتی، مدرن و میانه است که گروه سوم تلاش می‌کنند آشتی را بین دو رویکرد سنتی و نوین ایجاد کنند.

تنوع قومی، طبقاتی و اجتماعی زنان هم در ایران آن‌چنان گسترده است که برخورد‌های یک دست و یک پارچه با امر مشارکت اجتماعی موجب افتادن در چاله‌های تنزل‌گرایی^۱ و تعصبات ایدئولوژیک می‌شود، به طوری که از یک طرف عده‌ای معتقدند که عقیده اسلامی در اساس با تجددگرایی، سکولاریسم و آزادی زنان و مردم‌سالاری در تضاد است و لذا به هیچ‌وجه اصلاح‌پذیر نیست. در طرف مقابل کسانی هستند که معتقدند زنان به‌عنوان افراد درجه دوم باید فقط در خانه بمانند و نباید فعالیت اجتماعی داشته باشند. گروه سوم نیز روشن‌فکران دینی و فمینیست‌های اسلامی و زنان مسلمانی هستند که با تفاسیر زن‌باورانه از قرآن و اسلام، در جهت تضعیف اقتدار مرد و برابری حقوقی می‌کوشند. این گروه به عرصه جامعه مدنی تعلق دارند و در نوگرایی جامعه ایرانی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

واقعیت این است که اسلام مردان و زنان را موجودات کامل‌کننده یکدیگر می‌داند و تفاوت این دو جنس را در نقش و وظیفه ظاهری اجتماعی آن دو تلقی می‌کند. اسلام در این زمینه، به نوعی استكمال زن و مرد نسبت به یکدیگر قائل است تا برابری کمی ایشان؛ انتقادی که غالباً به نقش زن در اسلام دارند، پیش از هرچیز اطلاق متکلفانه رسم و روش‌های غربی بر جهان اسلام مبتنی است.

۲-۵. نقش‌ها

به‌طور کلی نقش‌های زنان را در قالب‌های «شخصیت زن به‌مثابه یک انسان»، «شخصیت زن به‌مثابه یک جنس» می‌توان بررسی و تجزیه و تحلیل کرد:

۱-۲-۵. نقش انسانی

در آیات قرآن کریم و سیره نبوی، زن به‌عنوان یک انسان در دستیابی به کمالات انسانی و وظایف اجتماعی با مرد برابر است و تفاوتی میان آن دو به لحاظ ماهیت وجودی انسان وجود ندارد. همچنین، از نظر قرآن، زن همانند مرد به‌تناسب هویت خاکی-ملکوتی خود، از غرایز و گرایش‌هایی برخوردار است که می‌تواند بستر اوج‌گیری او تا فراسوی جهان خاکی یا سقوط او به «اسفل سافلین» باشد (سجادی، ۱۳۸۰، ص ۵۷).

* * *

«... (تین: ۴-۶)؛

به‌راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم. سپس او را به پست‌ترین (مراتب) پستی‌ها بازگردانیدیم. مگر مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند.

* * *

« (شمس: ۷-۱۰)؛

سوگند به نفس و آن‌کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به او الهام نمود که هرکس آن را پاک گردانید. قطعاً رستگار است و هرکس آلوده‌اش ساخت، قطعاً باخته است.

زنان می‌توانند در مسیر تزکیه و تعالی‌جویی حرکت کنند و به قصد عصمت، مقتدایی اسوه شدن و الهام‌گیری قدم گذارند. قرآن با تکیه بر نمونه‌های عینی و پیش‌داوری‌های کلی در رابطه با امکان دستیابی زنان به والاترین مرتبه تکامل در پی این است که همه زنان را تشویق به تعالی‌خواهی کنند.

قران زنان راه‌یافته به قلّه درک و شهود را با زیباترین تعبیرها و خطاب‌ها می‌ستاید:

« مثال ۱. »

(احزاب: ۳۳)؛

خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما خانواده پیامبر(ع) بردارد و شما را به پاکی کامل رساند.

مثال ۲. »

« (آل عمران: ۴۲)؛

و آن‌گاه که فرشتگان گفتند: مریم! همانا خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر زنان جهان برتری بخشید.

مثال ۳. »

«...

*

(طه: ۳۸-۳۹)؛

آن‌هنگام به مادرت وحی مهمی نمودیم. وحی کردیم که کودک خود را در صندوقی قرار بده و او را در دریا افکن.

مثال ۴. »

*

« (تحریم: ۱۰-۱۲).

خداوند برای مؤمنان مثل زده است؛ همسر فرعون را آن‌گاه که گفت: پروردگارا پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان و مریم، دخت عمران، را همان که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود.

بنابراین، در سایه آموزه‌های قرآنی زنان می‌توانند زندگی ارزشی‌شان را در پرتو عقل بی‌پیرایه، سامان بخشیده و آرمان‌ها و خواسته‌های ارزشی خود را جامه عمل بپوشانند. حضرت امام(ره) در این خصوص می‌فرماید: «در حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست؛ زیرا که هر دو انسان‌اند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را

همچون مرد دارد. بله، در بعضی موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آن‌ها ارتباط ندارد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۹).

۲-۲-۵. نقش مبتنی بر جنسیت

اما بحث اساسی در مورد هویت زن به‌مثابه یک جنس وجود دارد. بحث جنسیت یکی از بحث‌های مهم جامعه‌شناختی است که امروزه در جامعه‌شناسی مدرن شاخه جدیدی به نام «جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی»^۲ شکل گرفته که بر اساس آن ویژگی‌های اساسی جنسیت که از زن و مرد مورد انتظار است، در اوایل زندگی و در محیط خانواده فراگرفته می‌شود و سپس، در محیط‌های آموزشی، گروه‌های همسالان و از طریق رسانه‌های جمعی و سایر عوامل در جامعه حاصل می‌شود و افراد بر اساس آن، نقش‌های جنسیت خود را فرامی‌گیرند و ایفا می‌نمایند و از همین جاست که پایگاه‌های اجتماعی جنس‌های مختلف مشخص می‌گردد.

حال با توجه به امتیازات در نظر گرفته‌شده برای جنس مرد، معمولاً از زن‌ها نقش‌های کلیشه‌ای در جامعه و در منابع آموزشی و رسانه‌های جمعی ساخته می‌شود که گویای واقعیت آن جنس نیست و در برخی از جوامع به‌ویژه جوامع غربی از این جنس سوءاستفاده‌های فراوان حتی در حد یک کالا و وسیله شده که این آسیب‌های جدی به نقش و جایگاه زنان وارد کرده است. نگاهی به فیلم‌ها و تولیدات تلویزیونی کشورهای غربی، نشان‌دهنده سوءاستفاده آشکار از نقش و ابزاری نمودن این قشر از جامعه است. دین اسلام تفاوت به لحاظ جنسیتی بین زن و مرد را به رسمیت می‌شناسد و بر اساس این نقش‌ها، وظایف و مسئولیت‌های آن‌ها را نیز متفاوت می‌گرداند، به‌طوری‌که قرآن بر نقش عاطفی زن و همچنین، نقش پرورشی او در کانون زندگی زناشویی تأکید دارد.

مثال ۱. »

«... (روم: ۲۱)؛

از نشانه‌های او این است که او از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد.

در این تأکید قرآن بر نقش عاطفی زنان تأکید دارد که بر اساس آن آرامش در خانواده حاکم می‌گردد.

مثال ۲. «...»
(نحل: ۷۳)؛

و خداوند برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی پدید آورد. در این آیه نیز تأکید بر نقش زنان در تربیت و پرورش فرزندان است. علاوه بر این، قرآن عرصه‌های حضور اجتماعی دیگری را برای زنان در نظر گرفته است؛ نظیر بیعت (ممتحنه: ۱۲)؛ هجرت (نساء: ۹۷-۹۸)؛ امر به معروف و نهی از منکر (توبه: ۷۱) و کسب و تلاش اقتصادی و مالکیت (نساء: ۳۲).

اما در نگرش غربی، تأکید بر برابری نقش‌ها بین زن و مرد است و تلاش اصلی بر نادیده گرفتن نقش‌های جنسیتی متمرکز شده است.

با انکار نقش‌های جنسیتی، ساختار خانواده که بر اساس مدل عمودی و رابطه طولی پدر، مادر و فرزندان بود، به چالش کشیده می‌شود و در گام بعدی، ساختار افقی مردم‌سالاری در خانواده که تمام اعضا را در یک خط افقی هم‌رتبه قرار می‌دهد، مورد تأکید قرار گرفت و در نتیجه خانواده در جایگاه نهادی منسجم، نقش خود را از دست داده و نقش‌های انحصاری در آن نیز از بین رفت؛ مثلاً در فرانسه و انگلستان، تأمین هزینه خانواده از انحصار مرد خارج شد و مشترکاً بر عهده زن و مرد قرار گرفت (اسدی، ۱۳۸۰، صص ۶-۹). حتی نقش مادری هم به‌عنوان نقش انحصاری زنانه زیر سؤال رفته است.

علاوه بر این، با محوریت جنسیت در روابط اجتماعی و ویژگی‌های بی‌واسطه آن به‌گونه‌ای افراطی، انحرافات اجتماعی متعددی بروز می‌کند. یکی از انحرافات مهم ناشی از جنسیت به خدمت گرفتن کارکردهای جنسیت و ویژگی‌های آن در مسیر فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نگاه ابزاری به زن به‌عنوان موجود برخوردار از این استعداد، در راه نیل به اهداف سیاسی، اقتصادی و تجاری است که روابط انسانی را سخت‌مخدوش و منحرف می‌سازد. تأثیر این شکل از برخوردها بر اخلاق و روابط اجتماعی و خانوادگی بر کسی پوشیده نیست. چون در واقع، سودجویان معامله‌گر و

بازیگران سیاسی به هدف متأثر ساختن تصمیم‌های فردی و اجتماعی انسان‌ها در قلمرو رفتارهای اخلاقی، تجاری و اجتماعی، این‌گونه به سوءاستفاده از وجود زن و صفات جسمانی او روی می‌آورند.

دومین شکل این انحراف آن است که کارکردهای جنسی به صورت افراطی و تمام‌عیار تعیین‌کننده رفتار و تأمین‌کننده انحراف شخصی قرار می‌گیرد. در این انحراف استعداد و ویژگی‌های جنسی در خدمت اهداف اقتصادی و سیاسی نیستند بلکه این استعداد جنسی خود، هدف قرار می‌گیرند و اهداف سیاسی و اقتصادی به حاشیه کشیده می‌شوند. گویا آدمی به دنیا آمده است تا آن‌ها را ارضا کند. لذا در تمام صحنه‌ها حتی در صحنه فعالیت‌های اجتماعی، ارضای آن را جستجو می‌کند و از این طریق هنجارهای جامعه را زیر پا می‌گذارند. درحالی‌که استعدادهای به ودیعه نهاده شده در نهاد انسان از جمله استعدادهای جنسی وسیله‌ای برای کمال و تعالی انسان هستند. نه اینکه خودشان هدف قرار گیرند و تمام توان فکری، جسمی، انگیزشی، وقت و همت انسان مصروف آن شود. این نگاه افراطی باب ابتلا به انواع متنوع انحراف‌های اجتماعی را فراروی آن‌ها می‌گشاید که موجب می‌شود زن خود را فقط به همین خصایص معرفی نماید و جامعه هم تنها وی را به این صفات بشناسد، گویا ویژگی‌های جنسی زنانه، تنها صفت خاص آن‌هاست، آرایش‌های جلف‌گونه، جلوه‌گری‌های جنسی و خودنمایی‌های شهوت‌انگیز گوشه‌ای از این رفتارهای انحرافی است.

انحراف اختصاصی دیگر زنان که بر جنسیت تکیه دارد، همانا نادیده گرفتن و رها ساختن مسئولیت‌هایی است که نظام تکوین در پرتو جنسیت بر عهده زن گذارده است. این مسئولیت‌ها غیر از آن وظایفی است که مقررات اخلاقی، قراردادهای اجتماعی و نقش مادری بر عهده زنان گذارده است. اگرچه در نگاه اولیه وظایف مادر به‌مثابه یک وظیفه فردی تلقی می‌گردد، اما واقعیت غیر از این است؛ زیرا هیچ‌یک از این وظایف بدون ارتباط با دیگران و به‌صورت فردی محقق نمی‌شود بلکه تمام آن‌ها در یک ارتباط انسانی، هرچند کوچک ولی در کانون و نهاد اصلی جامعه یعنی خانواده امکان تحقق پیدا می‌کند. لذا درحالی‌که این امور، وظایف فردی تلقی می‌شوند، ولی چون نقش

اجتماعی گسترده دارند، در صحنه روابط خانوادگی بروز می‌کنند، بدین جهت منجر می‌شود تا این وظایف از زاویه رفتار اجتماعی مورد توجه قرار گیرند. بنابراین، یکی از بزرگ‌ترین خطرهایی که در کمین زن نشسته است، فراموش نمودن مسئولیت‌های اجتماعی محول‌شده به وی است که تأثیر بسزایی در انجام نقش مادری دارد. همان‌گونه که شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت‌های فردی، زن را از انجام تعهدش باز می‌دارد، پایبند نبودن در انجام مسئولیت‌های اجتماعی - به‌ویژه در حوزه نهاد خانواده - نیز چنین پیامدی را به دنبال دارد.

با توجه به کم‌رنگ شدن توجه به نقش‌های جنسیتی و حمایت از آن‌ها در پرتو شاخص‌های غربی، سیاست اسلام و سنت پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می‌تواند راهگشا باشد که این‌گونه مسئولیت‌ها و نقش‌ها را تبیین می‌کند که نقش همسری و مادری را برای زنان به‌خوبی بیان می‌کند. در این چارچوب از نشانه‌های جایگاه نقش‌های جنسیتی زنان معادل دانستن همسررداری شایسته با جهاد مردان (کلینی، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۰۷)، بالاترین سعادت مرد مسلمان را برخوردار از همسر شایسته دانستن (الحر العاملی، ۱۳۶۸، ح ۲۴۹۷۹، ۲۴۹۵۴)، بهشت را زیر قدم مادران توصیف کردن (الحر العاملی، ۱۳۶۸، ح ۲۷۵۵۷) و ثواب فراوان مقرر نمودن بر بارداری، وضع حمل و شیردهی فرزندان می‌توان یاد کرد (نوری، ۱۴۰۸، ح ۱۷۹۳۳).

۳-۵. شاخص‌ها

امروزه عمده شاخص‌های حضور اجتماعی زنان و همچنین شاخص‌های رشد و توسعه زنان توسط سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای غربی ترویج و توصیه می‌شود و کمتر نشانی از شاخص‌های بومی و مذهبی در تحلیل وضعیت زنان وجود دارد و متأسفانه احساس نیاز به تدوین و تنظیم شاخص‌های مبتنی بر دین و هویت ایرانی نیز چندان احساس نمی‌شود.

بر مبنای این شاخص‌های عمدتاً غربی جایگاه کشورهای نظیر سوئد، نروژ در رتبه‌های اول است و وضعیت کشورهای نظیر ایران که مبتنی بر اندیشه‌های الهی و دینی است، در رتبه‌های ۱۵۰ به بعد از میان ۱۹۰ کشور قرار می‌گیرد و ترویج گسترده

این شاخص‌ها، احساس حقارت و خودکم‌بینی را بر اندیشه تحلیل‌گران و مدافعان مذهبی حقوق زنان حاکم می‌گرداند و آنان را ناگزیر به پیروی از کشورهای غربی می‌کند. اما اگر شاخص‌سازی بر مبنای مدل دینی و به‌ویژه دین اسلام صورت گیرد، مسلماً این دسته‌بندی تغییرات اساسی خواهد کرد. بنابراین، باید تلاش کرد بر مبنای هویت دینی و اسلامی، شاخص‌هایی را طراحی کرد که در آن‌ها ضمن توجه به موضوع استحکام ساختار خانواده، رویکرد افزایش اعتماد به نفس را در زنان مسلمان و مؤمن تقویت گردد.

۶. آداب حضور اجتماعی زن مسلمان

۶-۱. اصول قرآنی

بر اساس برداشت پاره‌ای از مفسران از قرآن کریم، زنان باید خانه‌نشین باشند و از حضور در اجتماع پرهیز کنند. اما دلایل و تفسیرهای متعددی برای رد این برداشت وجود دارد که در ذیل به بخشی از آن‌ها اشاره می‌گردد. دیدگاه فقهی که حبس و نگهداری زن در خانه را واجب می‌شمارد، برای قرآنی جلوه دادن آن به این آیه استدلال می‌کند:

« (احزاب: ۳۳): در خانه‌هایتان بمانید. »

بر مبنای این تفسیر، حضور اجتماعی زنان بدون موضوعیت است و بر اساس این دستور شریف، قرآن زنان مسلمان را به خانه‌نشینی و پیوند و معاشرت نداشتن با نامحرمان دستور داده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
استدلال به آیه «...» بر این فرض استوار است که «قرن» برگرفته از ریشه «قرار» به معنای درنگ باشد و نه از ریشه «وقار» که احتمال دیگر است و با سیاق « (احزاب: ۳۳)، سازگاری بیشتری دارد؛ یعنی در این صورت «...» توضیح «وقار» و متانت به حساب می‌آید و می‌گوید: حفظ وقار زنان به این است که چونان زنان جاهلیت قدیم، زینت‌هاشان را آشکار ننمایند. بی‌تردید این توصیه با حضور در جامعه سازگاری بیشتر دارد تا درنگ در خانه.

در همین حال، بسیاری از مفسران و فقیهان با توجه به صدر و ذیل آیه شریفه، دستور یادشده را خاص زنان پیامبر(ص) می‌دانند و بر فرض فراگیر دانستن آن، مقصود از این آیه خانه‌نشینی و انزوای از جامعه برای زنان نیست و گرنه زنان پیامبر(ص) که مخاطبان اصلی آیه هستند، هیچ‌کدام، چه در زمان حیات آن حضرت و چه پس از آن، به این دستور عمل نکرده‌اند (الحر العاملی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۸۹). سیره خود پیامبر(ص) نیز خلاف این بوده است (ابن‌هشام، ج ۳، ص ۳۵۶). بنابراین مقصود از این دستور آن است که زن با هدف خودنمایی از خانه بیرون نرود، نه اینکه هیچ‌گاه حق بیرون رفتن نداشته باشد (صادق، ۱۳۷۶، ص ۱۶۴). افزون‌براین، هیچ فقیهی به مقتضای ظاهر این آیه شریفه، فتوا به واجب بودن خانه‌نشینی و حرام بودن مشارکت اجتماعی زنان را نداده است.

آیه دیگری که از آن برای خانه‌نشینی زنان و عدم ارتباط زنان با مردان نامحرم و به تبع عدم مشارکت اجتماعی زنان از آن استفاده می‌کنند، چنین است:

«...»

(احزاب: ۵۳)؛

«اگر از زنان پیامبر(ص) چیزی خواستید، از پشت پرده بخواهید. این کار، هم برای دل‌های شما و هم برای دل‌های آنان پاکیزه‌تر است.»

البته مفسران و فقیهان با توجه به صدر و ذیل آیه، دستور یادشده را ویژه زنان پیامبر(ع) می‌دانند. از آنجاکه عرب‌های مسلمان بدون اجازه وارد اتاق‌های پیامبر(ع) می‌شدند و زنان پیامبر(ص) نیز در آنجا بودند، این آیه آمد که بدون اجازه داخل نشوید و وقتی می‌خواهید چیزی از زنان پیامبر(ص) بگیرید، از پشت پرده بخواهید، بدون اینکه داخل خانه شوید. این کار برای پاکیزگی دل شما و آن‌ها بهتر است.

بر فرض فراگیر بودن آیه، مقصود این نیست که زنان حق معاشرت با مردان را ندارند؛ زیرا سیره رسول خدا(ص) نیز غیر از آن بود، به طوری که زنان آن حضرت(ص) نیز در میان اجتماع رفت‌وآمد داشتند. مردم نیز به خانه آن‌ها رفت‌وآمد داشتند و با آن‌ها گفتگو می‌کردند (الحر العاملی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۸۹).

در واقع، در قرآن کریم حدود دویست آیه پیرامون ابعاد مختلف مسائل خانواده و زنان آمده است که بر اساس آنها می‌توان حضور مستقیم و بدون واسطه زنان در صحنه حیات اجتماعی را به خوبی استنباط می‌گردد. در واقع، قرآن به زنان این حق را داده است که با بهره‌گیری از توان اقتصادی، اندوخته‌های علمی، قدرت بدنی و مهارت‌های مدیریتی خود، تحول همه‌جانبه‌ای را در جامعه دنبال نمایند.

قرآن کریم بدون تمایز قائل شدن بین زن و مرد در زمینه‌های مختلف به‌ویژه در عرصه حق تملک و تصرفات مالی، بیعت گرفتن، هجرت و جهاد، حضور در میدان جنگ و حضور در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی و حتی شرکت در کار حکومت و داوری، ضمن رد ایده خانه‌نشینی زنان بر مشارکت فعال آنها در عرصه اجتماعی با رعایت اصول دیگر تأکید می‌ورزد؛ برای نمونه، صرفاً به یک نمونه از این موارد، یعنی به رسمیت شناختن حق تملک و تصرف زنان مشابه مردان از نظر قرآن اشاره می‌گردد. قرآن از سویی، برای زن و مرد به‌صورت یکسان حق تملک قائل است و با صراحت اعلام می‌دارد:

«...» (نساء: ۳۲)؛

برای مردان و زنان از آنچه کسب می‌کنند، بهره‌ای است.

از سوی دیگر حق تملک را جز در مورد سفیهان و کودکان (اعم از دختر و پسر)، همراه با حق تصرف می‌شناسد؛ به همین دلیل کسی نمی‌تواند بگوید: «آیات الاحکام» در باب معاملات اختصاص به مردان دارد.

بنابراین، سخن اصلی و نخستین قرآن این است که زنان همانند مردان حق دارند که در مال خود آزادانه تصرف نمایند. البته اگر دختران به رشد عقلی نرسیده باشند یا زنان مبتلای به سفاهت گردند، امور مالی آنان از نگاه قرآن به قیم واگذار می‌شود که این‌گونه قیمومت در مورد پسران و مردان نیز مطرح است.

در این ارتباط، روایاتی که محدودیت زنان را در تصرفات مالی مطرح می‌کنند، به تعیین نظر به دختران خردسال، زنان سفیه و زنان شوهردار دارند که در مورد زنان شوهردار نیز مقصود این روایات، ناروا بودن تصرف در مال شوهران است یا آنکه در

اصل از بایسته‌های اخلاقی سخن می‌گویند و امر در آن‌ها ارشادی است (سجادی، ۱۳۸۰، صص ۵۸-۵۹).

به‌طور کلی، در نظر اسلام زن به اعتبار انسان بودن خود (که کاملاً با مرد مساوی است)، حق شرکت در تمام مشاغل آزاد و اداری، اعم از خدماتی، تولیدی، توزیعی، صادراتی، وارداتی، کشاورزی صنعتی، علمی، دانشگاهی و... را دارد، ولی نظر به اینکه اسلام برای پیشگیری روابط ناسالم دو جنس مخالف و جاذبه‌های جنسی شدید که در میان آنان هست و می‌تواند منشأ زیان‌های بزرگ اجتماعی و خانوادگی شود، ورود زن را به کارهایی که سبب تماس مستقیم و مستمر با مردان می‌شود، تشویق نمی‌کند بلکه ترجیح می‌دهد که با ملایمت و نه اجبار، زنان را به کار در محیط‌های سالم‌تر تشویق نماید. باین‌همه، گاهی به‌سبب ضرورت‌های اجتماعی و نیاز به کار زنان، از لحاظ مذهبی، کار زنان در جامعه بر آن‌ها ضروری و واجب می‌شود و از این‌رو، امروز زنان مسلمان در بیشتر جوامع اسلامی از جمله در جمهوری اسلامی ایران، به‌سبب اجازه اسلام، توانسته‌اند در همه‌گونه مشاغل سیاسی، اداری، قضایی، خدماتی، بازرگانی و... وارد شوند و سهم مهمی در هر جامعه دارند. بجز چند مورد که تکلیف آن از دوش زنان برداشته شده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲).

۲-۶. سیره نبوی

بررسی سیره نظری و عملی پیامبر اکرم(ص) در خصوص دفاع از حقوق زنان و احترام به جایگاه و شخصیت آن‌ها، بهترین چراغ راه برای وضعیت فعلی است، حتی در مقایسه بین شرایط کنونی دفاع از حقوق زن با تحولات زمان پیامبر اکرم(ص) می‌توان مشابهت‌هایی را یافت، به‌طوری‌که پیامبر(ص) هم با عقاید جاهلیت عربی درباره زن، و هم با فرهنگ وارداتی روم که در پرستش بت‌های مؤنث تجلی پیدا می‌کرد، مبارزه می‌کرد.

به‌طور کلی، خطوط اصلی دیدگاه‌های پیامبر اکرم(ص) به‌طور خاص و دیدگاه‌های اسلام به‌طور عام در خصوص شخصیت و چگونگی حضور اجتماعی زنان را در قالب‌های زیر می‌توان بررسی کرد:

اول. همتا دانستن زن و مرد: برابری زن و مرد در انسانیت و در دستیابی به کمالات انسانی از اصول نگرش اسلام است که قرآن کریم پیامبر اسلام(ص) و اهل بیت(ع) به تبیین آن پرداخته‌اند. آیاتی از قرآن کریم که یکسان به زن و مرد وعده بهشت می‌دهد و آنان را چون مردان در اقامه نماز، اعطای زکات، پذیرش سرپرستی خدا و رسول(ص) و اصلاح جامعه اسلامی در قالب امر به معروف و نهی از منکر مسئول می‌شمارد (توبه: ۷۱-۷۲) و بر ایمان و تسلیم، صداقت، صبر، خشوع و عفت زن و مرد ارزشی یکسان می‌گذارد (احزاب: ۳۴)، نشانگر یکسان‌نگری اسلام است چنان‌که آیات الهی که بر اذیت زنان مؤمن و افترا به آنان برمی‌آشوبد (نور: ۲۳؛ احزاب: ۵۸). پیامبر(ص) را به استغفار برای زنان و مردان مؤمن فرا می‌خواند (محمد: ۱۹) و توبه آنان را قبول می‌کند (احزاب: ۷۳)، افزون‌بر آن، گفتار پیامبر(ص) زنان را همتای مردان شمرده است (متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ح ۴۵۳۱). در کنار سیره کرامتمندانه آن بزرگوار، حاکی از برابری زن و مرد در ارزشمندی است.

دوم. هجرت و جهاد زنان: از نظر رویه عملکردی پیامبر اکرم(ص) زنان نیز می‌توانند مشابه مردان هجرت نمایند و در جنگ و جهاد شرکت کنند که خود دلیلی روشن بر مشارکت اجتماعی زنان است.

روزی ام‌سلمه گفت: ای رسول خدا! نشنیده‌ام که خداوند درباره هجرت زنان چیزی بگوید! آن‌گاه این آیه نازل شد (واحدی، ۱۴۰۱ق، ص ۸):

»
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

...» (آل عمران: ۱۹۵)؛

پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد (و فرمود: من عمل هیچ صاحب عمل شما را از زن و مرد که همه از یکدیگرند، تباه نمی‌کنم، پس کسانی که هجرت کرده و از خانه خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند، بدبهاشان را می‌زدایم و آنان را در باغ‌هایی که از زیر آن نهرها روان است، درمی‌آورم، این پاداشی از جانب خداست.

بخش دوم آیه که با «فاء» تفریع، آغاز می‌شود، بیان تطبیقی دو اصل: یک. وحدت نوعی زن و مرد و دو. ارزشمند بودن عمل زن و مرد نزد خداوند است که قسمت اول آیه بدان اشاره دارد، به همین دلیل، اگر شأن نزولی نیز نبود، مشروعیت و ارزشمندی هجرت و جهاد زن با ایمان از این آیه استفاده می‌شد. همچنین، بر اساس گزارش منابع تاریخی، هجرت زنان صدر اسلام به‌عنوان یک اقدام ارزشی جای تردید نداشته و حضور آنان در میدان جنگ مورد تأیید پیامبر(ص) بوده است. زنان شرکت‌کننده در جهاد، گاهی علاوه بر کار آبرسانی، درمانی و پرستاری، به نبرد مسلحانه نیز می‌پرداختند. انس بن مالک می‌گوید:

هرگاه پیامبر(ص) آهنگ جنگی را می‌نمود، ام‌سلیم و جمعی از زنان انصار را به همراه می‌برد تا مسئولیت آبرسانی و درمان زخمی‌ها را بر عهده گیرند (ابی‌داوود، ح ۲۵۳۱). «نسیبه»، دختر کعب، می‌گوید:

«در جنگ احد با مشک آب خود را به پیامبر(ص) رساندم، آن حضرت(ص) را در جمع اصحاب یافتم و قدرت و پیروزی از آن مسلمانان بود، هنگام شکست مسلمانان، به پیامبر(ص) پیوستم و به‌طور مستقیم وارد جنگ شدم، به‌قصد دفاع از پیامبر(ص) شمشیر می‌زدم و تیراندازی می‌کردم» (ابن‌هشام، ج ۳، ص ۹۱)

نسیبه که کنیه‌اش «ام‌عمار» است با الهام‌گیری از امضای حضور زن در جنگ توسط پیامبر(ص) در جنگ «یمامه» نیز وارد جنگ شد و پس از کشته شدن «مسلمه»، در حالی به مدینه بازگشت که دوازده زخم شمشیر و نیزه بر تن داشت (ابن‌هشام، ج ۲، صص ۷۱-۷۹).

ج. توجه به ارزش دختران و تشویق به پرورش و حمایت از آنان: شیوه پیامبر(ص) آن بود که از یک سو، به ارزش و جایگاه ویژه دختران در زندگی توجه دهد و به تأثیر آنان به‌عنوان مونس، اهل مدارا و نیکی، با خیر و برکت، اهل پاکیزگی و سبب طراوت زندگی اشاره کند (الحر العاملی، ۱۳۶۸، ح ۲۷۳۰۶ و ۲۷۳۱۴) و از سوی دیگر، با بیان رزاقیت خداوند، احساس سنگینی در نگهداری آنان را برطرف نمود. ضمن آنکه ضد سنت دخترکشی سنگدلانه بشورد و اکرام زنان و دختران را در قالب

عباراتی که بهترین مردم را خیرخواه‌ترین آنان در حق زنان می‌داند، اهانت به زنان را نشانی از پستی بشمارد و بر حمایت از دختران و زنان، بهشت را پاداش قرار می‌دهد و آن را وجهه همت مردان قرار دهد (نهج‌الفصاحه، ح ۱۴۷۷، ۱۵۲۰، ۱۷۲۸).

د. بیعت با زنان: پیامبر اکرم(ص) در چند نوبت از زنان بیعت گرفته است. در بیعت «عقبه» که قبل از هجرت انجام گرفت، سه زن حضور داشتند. در فتح مکه نیز قرآن کریم، پیامبر اکرم(ص) را به گرفتن بیعت از زنان (در صورت تمایل آنان) فراخوانده است (ممتحنه: ۱۰).

ه. توجه به شخصیت‌دهی ویژه: سخنان گهربار پیامبر اکرم(ص) در توصیف شخصیت زنان تاریخ‌ساز از جمله فاطمه(س)، آسیه(س) و مریم کبری(س) (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۶۲، ح ۴)، به‌ویژه در مورد فاطمه(س) در قالب بیاناتی که رضایت و خشم خداوند را به رضایت و خشم فاطمه پیوند می‌دهد و نیز مریم(س) که به همراه آموزه قرآنی، او را زنی کامل، دارای عصمت و هم‌سخن با فرشتگان خداوند دانسته است (آل‌عمران: ۴۲-۴۷)، نشانگر آن است که زن می‌تواند تمامی حجاب‌ها را درنوردد و به قله کمالات رسد. انتخاب فاطمه(س) به‌منظور مباحثه (آل‌عمران: ۶۱)، با وجود حضور مدعیان و در نظر گرفتن وی به عنصری محوری در میان اصحاب کسا که آیه تطهیر در شأن آنان فرود آمد (احزاب: ۳۳) نیز به بهترین شکل نمایانگر جایگاه زن در اندیشه اسلامی است.

و. پرورش عملی زنان: بهترین شاهی که بر کارآمدی برنامه هر مکتب می‌توان ارائه داد، بررسی ابعاد شخصیتی کسانی است که بر اساس آموزه آن پرورش یافته‌اند. بررسی زندگی فاطمه(س)، از دوران کودکی و نوجوانی در حمایت از پیامبر اکرم(ص) در مقابل مشرکان و حضور در صحنه جنگ برای پشتیبانی از رزمندگان تا زمان جوانی و ورود یکتنه در عرصه مبارزه با مفسد سیاسی و انتخاب مشی مبارزه منفی به‌منظور نشان دادن مظلومیت اهل بیت(ع) تا پایان تاریخ، توجه به حفظ معارف و علوم دینی، تا آنجا که آن را معادل حفظ جان دو فرزند عزیزش می‌شمارد، همه بیانگر آن است که یک زن به‌گونه‌ای تربیت یافته است که می‌تواند به دگرگون ساختن تاریخ بیندیشد. چنین تربیتی را در بانوان ممتاز چون خدیجه(س) که توانمندی اقتصادی خود را در

توسعه دین جدید به خدمت گرفت، در زینب کبری(س) نیز می‌یابیم. این تحولات سبب شد که در طول سده پس از ظهور اسلام صدها زن راوی حدیث، فقیه، عارف، متکلم، ادیب، معلم و انسان‌ساز به صحنه آیند.

۷. آسیب‌شناسی حضور اجتماعی زنان

۷-۱. آسیب‌پذیری خانواده

اساساً مشارکت و حضور زنان در امور اجتماعی امری بدیهی و ضروری است، اما الگو و رویکرد این حضور جای بحث است. در قالب الگوهای غربی که از پشتوانه فرهنگی - تاریخی قوی برخوردار نیست، وضعیت خانواده بسیار اسفبار شده است، به طوری که دگرگونی در نقش زنان تأثیر گسترده‌ای بر خانواده گذاشته است. اکنون نسلی از کودکان آمریکایی توسط مادران شاغل تربیت و بزرگ می‌شوند که از ابتدای کودکی آنان را به مراکز نگهداری و مراقبت می‌سپارند و این امر با این مقیاس در آمریکا بی‌سابقه بوده است. علاوه بر این، استقلال تازه زنان این امکان را برای آنان به وجود آورده است که در فکر رها کردن ازدواج‌های ناموفق یا بزرگ کردن فرزندان با هزینه خود باشند. نتیجه این امر تا حدی افزایش سریع طلاق‌ها، فرزندان زنان ازدواج نکرده و گسترش خانواده‌های تحت سرپرستی زنان بوده است. در حال حاضر از هر دو زن ازدواج کرده یکی طلاق می‌گیرد و از هر پنج زن دارای فرزند، یکی به صورت مجرد زندگی می‌کند، باین‌همه، بسیاری از این‌گونه زنان خود را بسیار آسیب‌پذیر می‌دانند؛ زیرا یکی از اثرهای غیرمستقیم و عمدتاً پیش‌بینی نشده، تمایل زنان به استقلال از «زنانه شدن فقر» بوده است؛ چنان‌که از هر چهار زن طلاق‌گرفته یا جدا شده یکی تحت پوشش برنامه‌های حمایتی قرار دارد و از هر سه خانواده تحت سرپرستی زنان، یک خانواده دچار فقر است. روی هم رفته ۵۷ درصد فقیران را زنان تشکیل می‌دهند (رابرتسون، ۱۳۷۲، ص ۲۶۹). بنابراین، بر مبنای الگوی غربی، وضعیت خانواده‌ها به علت افراط در اشتغال زنان و به‌کارگیری گسترده آنان در امور اقتصادی، رو به اضمحلال رفته و به تبع، نمی‌تواند الگوی مناسبی باشد.

اما در دنیای اسلام که از بستر تاریخی عمیقی هم برخوردار است، زنان با کمترین نقصان به نظام خانواده می‌توانند در حیات اقتصادی- اجتماعی جامعه ایفای نقش نمایند. بنابراین، با تأسی به الگوی اسلامی می‌توان ضمن حفظ و استحکام نهاد خانواده، بحث حضور اجتماعی زنان را پررنگ‌تر و قوی‌تر نمود. اساساً این فرضیه که با مشارکت بیشتر زنان در اجتماع، نقش آن‌ها در نظام خانواده دچار اختلال یا ستیزه نقش‌ها می‌شود، مردود شمرده می‌شود؛ زیرا شواهد نشان می‌دهد که به‌ندرت خانواده روستایی را می‌توان یافت که زنان در فعالیتهای اقتصادی آن هیچ نقشی نداشته باشند. بر اساس شواهد و اطلاعات موجود دست‌کم، ۵۰ درصد نیروی کار در فرایند تولید محصولات کشاورزی در روستاها را زنان تأمین می‌کنند (شادی‌طلب، ۱۳۷۵، ص ۸۸)، درحالی‌که کمترین خللی به استحکام خانواده وارد نمی‌شود. البته امروزه شاخص‌های جهانی ارزیابی رشد و توسعه زنان که عمدتاً توسط نهادهای بین‌المللی ترویج و توصیه می‌گردد، کمتر به نقش و اهمیت خانواده توجه دارند، به‌طوری‌که کشورهایی که بهترین رتبه‌های جهانی را در ارزیابی وضعیت زنان دارند، با بحران‌های وحشتناکی در امور خانواده مواجه هستند؛ برای مثال کشورهای سوئد و نروژ با دارا بودن رتبه‌های اول، با فروپاشی کامل خانواده مواجه هستند، چنان‌که ۵۵ درصد فرزندان که در سالیان اخیر در این دو کشور متولد شده‌اند، نامشروع و ۶۳ درصد اهالی استکهلم دارای پیوندهای توافقی خارج از چارچوب ازدواج می‌باشند (کرتز، ۱۳۸۳، ص ۷۸).

۲-۷. آسیب‌پذیری الگوی مشارکت

یکی از آسیب‌های اساسی در خصوص جایگاه اجتماعی زنان، استفاده ابزاری از زنان در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی است. به‌نحوی که زن در حد شیء یا کالا تنزل پیدا می‌کند. حضرت امام(ره) به‌خوبی این آسیب را توضیح می‌دهد؛ ایشان حضور زنان را در تمام صحنه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آزاد می‌داند، اما چیزی که می‌تواند مرز این آزادی قرار گیرد و آن را محدود کند، مسئله مهمی تحت عنوان شیء یا کالایی شدن است. زمانی که شأن و مرتبه زن بخواهد در حد شیء شدن سقوط

کند و از حدود اسلام خارج شود، زن باید محدود شود. معظم‌له (ره) در همین خصوص می‌فرماید:

«زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود. از چیزی که جلوگیری می‌شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ج ۴، صص ۳۷-۴۰).

نتیجه‌گیری

هیچ مکتبی به اندازه اسلام نسبت به هویت واقعی زن و تغییر نگرش و تبیین قوانین حقوقی و انسانی که در سرنوشت زنان تأثیر مثبت داشته باشد، اهتمام نورزیده است. نظام حقوق زن در اسلام بر اساس تساوی حقوق زن و مرد است، نه تشابه. در اسلام، برای افراد بشر از جمله میان جنس زن و جنس مرد، برابری در حقوق مطرح است. اما در برخی جاها ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد، همچنان‌که طبیعت زن با طبیعت مرد در برخی از خصوصیات متفاوت است.

واقعیت این است که امروزه مسئله زنان، با غوغای بحث‌ها و جنبش‌های فمینیستی همراه شده که برای ارائه یک الگوی دینی باید به دور از این غوغاها به تجزیه و تحلیل موضوع پرداخت. با بررسی این دیدگاه‌ها و رویکردها که مبتنی بر قرآن، سنت و تجربه بشری در حوزه اسلامی بود می‌توان اذعان کرد که حضور زنان در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی نه تنها مورد تقاضای قشر زنان است بلکه اقدامی مثبت و مفید نیز است. به‌واقع، در اسلام زن و مرد از حقوق مساوی اما متفاوت برخوردارند، نقش مادری و تربیت فرزند از ارزش والایی برخوردار است، درعین حال، حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، با رعایت موازین شرعی و اخلاقی و تناسب شغل مطلوب و احیاناً واجب است و تلاش فقها و حقوق‌دانان اسلامی بر این است تا با در نظر گرفتن عنصر زمان و مکان و با رعایت معیارها و اصول صحیح ضابطه‌مند استنباط، در جهت فهم متون دینی تلاش بیشتری نموده و راهکارهای علمی‌تر و به‌روزتری را در جهت تضمین حقوق اجتماعی زنان ارائه کنند.

تجربه پیگیری برابری زنان و مردان و حضور همگام با مردان در صحنه‌های اجتماعی به‌خوبی نتایج خود را در جوامع توسعه‌یافته غربی نشان داده است که فوری‌ترین نتایج آن تزلزل و فروپاشی بنیاد خانواده، گسترش فساد در جامعه، ایجاد اختلاف و ناسازگاری بین مرد و زن، تشدید بحران عدم تفاهم انسان‌ها و افزایش احساس تنهایی زنان در محیط خانواده و جامعه بوده است.

با عنایت به مخاطرات نگاه افراطی به ضرورت مشارکت اجتماعی زنان در جوامع پیشرفته غربی، هرگونه مشارکت اجتماعی زنان زمانی مؤثر و کارساز خواهد بود که زن از عفت برخوردار باشند. در بیان دانشمندان علم اخلاق، عفت به معنای اطاعت نفس از نیروی عقل است، به‌گونه‌ای که فرد هرگز در رفتار و عملکرد خویش - روابط اجتماعی - از خواهش‌های نفسانی فرمان نمی‌برد. در واقع، تأکید بر عفت در مبحث حضور اجتماعی بدین دلیل است که عفت در روابط با دیگران معنا پیدا می‌کند، به‌طوری‌که اگر زن در ارتباط با دیگران از گوهر عفت بی‌نصیب باشد، به‌واسطه مسئولیت مادر بودنش که یکی از ویژگی‌های انحصاری اوست، جامعه انسانی را آلوده می‌کند؛ به‌عبارت دیگر، از مسیر آلوده ساختن روابط اجتماعی، آدمی را از بهره‌مندی از نسل پاک برای همیشه محروم می‌کند. چون او مادر هستی است و آن‌گاه که مادر هستی به انحراف آلوده شود، راه برخورداری از نسل پاک مسدود می‌گردد.

بنابراین، با رجوع به قرآن و سنت اسلامی می‌توان با رعایت ارزش‌های دینی و انسانی، حفظ «عفت» در حوزه روابط زن و مرد، اهتمام به حقوق شوهر، توجه به نیاز کودکان به آسایش و عطوفت مادر در زمان بارداری و دوره شیرخوارگی، و با در نظر گرفتن کارهای مورد علاقه زنان در پهنه زندگی اجتماعی و کارآمدی و علاقمندی‌های زن در واگذاری مشاغل اجتماعی، زمینه را برای حضور فعال زنان در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی فراهم آورد.

اساساً ارائه الگویی مناسب دینی برای حضور اجتماعی زنان باید مبتنی بر اصول

زیر باشد:

- تفاوت‌های تکوینی زن و مرد؛

- اشتراک زن و مرد در انسانیت؛

- زن و مرد دو موجود مکمل یکدیگر؛
- خانواده رکن اساسی اجتماع؛
- محوریت اخلاق و معنویت.

با عنایت به این اصول، زنان جامعه اسلامی با برخورداری از خودآگاهی اجتماعی، شناخت نقش و مسئولیت خویش و تقویت علاقه‌مندی خود به جامعه و قانون‌پذیری می‌توانند ضمن زدودن باورهای منفی و غلط نسبت به زنان، با بهره‌گیری از تعالیم و باورهای دینی، مشارکت اجتماعی فعال داشته و سهمی اساسی در توسعه همه‌جانبه جامعه خود داشته باشند. نمونه عملی این تجربه در طول سه دهه حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران (البته با افراط و تفریط‌هایی) هویدا شد. اما چارچوب نظری و علمی حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(دام‌ظله) در خصوص نحوه مشارکت اجتماعی زنان یک مسیر متعادل و به دور از افراط و تفریط بوده و هست.

یادداشت‌ها

1. Reductionism
2. Socialization Gender

کتابنامه

- نهج‌الفصاحه (۱۳۶۰)، ابوالقاسم پاینده، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول، تهران: جاویدان.
- ابن هشام، عبدالله بن یوسف، سیره النبویه، ج ۳، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- ابوفارس، محمد عبدالقادر (۱۹۸۶)، حقوق المرأة، الاردن: دارالفرقان.
- ابی داوود، سلیمان، سنن ابوداود: کتاب الجهاد، حدیث ۲۵۳۱،
- اسدی، لیلا (۱۳۸۰)، «بررسی نفقه زوج و اقارب در حقوق انگلستان»، فصلنامه ندای صادق، شماره ۲۴.
- انصاری، محمداسماعیل (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی»، فصلنامه فرهنگ رسانه، اسفند.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.

پیران، پرویز (۱۳۷۶)، *مبانی مفهومی مشارکت زنان روستایی*، ج ۱، تهران: موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی.

الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۳۶۸)، *وسائل الشیعه*، ج ۶ و ۱۲، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.

خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۸۱)، «زن، خانواده و اسلام»، کتاب *تقد*، سال ۵، شماره ۱۷.

خمینی، امام روح‌الله (۱۳۶۸)، *صحیفه نور*، تهران: دفتر نشر آثار امام خمینی (ره).
دورانت، ویل (۱۳۷۴)، *تاریخ فلسفه*، ترجمه عباس زریاب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

رابرتسون، یان (۱۳۷۲)، *درآمدی بر جامعه*، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس.

راوندی، مرتضی (۱۳۶۵)، *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد سوم، تهران: امیرکبیر.

سجادی، سید ابراهیم (۱۳۸۰)، «قرآن و مشارکت اجتماعی زنان»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۲۷، پاییز و زمستان.

شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۲)، «مشارکت اجتماعی زنان»، *پژوهش زنان*، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، پاییز.

شعبانی، رضا (۱۳۷۵)، *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: قومس.

صادق، محمد (۱۳۷۶)، «زنان و محدودیت‌های جهانگردی»، *فقه*، شماره ۱۴، زمستان.

عبدالحمید محمد، محمود (۱۴۱۱)، *حقوق المرأة بین الاسلام والدیانات الاخری*، مصر: مطبعة الكتاب (۱۹۹۰).

علویقی، علی‌اکبر (۱۳۷۵)، *زن در آینه تاریخ*، تهران: انتشارات چاپ.

قائم‌مقامی، فرهنگ (۱۳۵۵)، *آزادی یا اسارت زن*، تهران: جاویدان.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴)، *توسعه سیاسی و تحول اداری*، تهران: قومس.

قطب، محمد (بی‌تا)، *جامعه‌شناسی تاریخی زن*، ترجمه محمدعلی عابدی، بی‌نا، بی‌جا.

کرتر، استنلی (۱۳۸۳)، «پایان ازدواج در اسکانندیناوی»، ترجمه: مریم رفیعی، *حورا (ماهنامه علمی فرهنگی و اجتماعی زنان)*، ش ۱۹.

کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۵، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع).

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
لک‌زایی، نجف، (۱۳۸۹)، «مسائل فقه سیاسی»، دانش سیاسی، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان.

متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام، (۱۴۰۵ق)، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة.
مجلسی، علامه محمدباقر (۱۳۶۸)، بحارالانوار، ترجمه علی دوانی، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مظفری، بهجت‌الملوک (۱۳۷۹)، مجموعه مقالات سمینار سیمای زن در جامعه، تهران: دفتر امور زنان.

منیسی، سامیه (۱۹۹۷)، المرأة فی الاسلام، قاهره: دار الفكر العربی.

مهریزی، مهدی (۱۳۷۸)، «امام خمینی و گستره آزادی زنان»، ماهنامه پیام زن، مهر.

نوری، حسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، ۱۸ جلد، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت لاحیاء التراث.
واحدی (۱۴۱۰ق)، اسباب النزول، مصر: مكتبة الثقافة.

هارت، رابرت ای. (۱۳۸۰)، مشارکت کودکان و نوجوانان از پذیرش صوری تا شهروندی واقعی، ترجمه فریده طاهری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

Tri, Huynh Cao, (1982), *Participate in Development*, Paris: UNESCO.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی